



فروردین
امروز یک مکالمه جدی و طولانی با یکی از دوستان نزدیک و یا عشقتان خواهید داشت که باعث خواهد شد احساس نزدیکی و صمیمیت بین شما حتی از قبل هم بیشتر شود.

اردیبهشت
امروز بحث‌ها و صحبت‌هایی که با دیگران دارید نقشه‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای پیشرفت در هر زمینه‌ای که خودتان بخواهید، از کاری و مادی گرفته تا اجتماعی یا شخصی، در اختیارتان قرار خواهند داد.

خرداد
شرایط زندگی شما طی چند ماه گذشته چنان تغییری کرده‌اند که امروز وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنید ممکن است خودتان را در فضایی کاملاً متفاوت با گذشته ببینید.

تیر
تمام امروز انگار صدای افکار اطرافیان را می‌شنوید و بی آنکه چیزی بگویند می‌توانید به آنچه در سرشان می‌گذرد پی ببرید. همچنین حس ششمتان اگر مورد اعتماد شما واقع شود، در انتخاب راه صحیح یاریتان خواهد نمود.

مرداد
شما به تازگی به یکی از اهداف درازمدت خود دست پیدا کرده‌اید و حالا به این فکر افتاده‌اید که هدف بعدی‌تان چه باید باشد. از اینکه جاه طلبانه‌تر از قبل برای خودتان تصمیم‌گیری کنید هراسی نداشته باشید.

شهریور
پیشرفت‌هایی که این اواخر در زمینه‌ی حرفه‌ای داشته‌اید شما را به این فکر انداخته‌اند که حالا باید چکار کنید و چه مسیری را در پیش بگیرید تا این موفقیت‌ها را به حداکثر میزان ممکن برسانید.

مهر
شما به تازگی به چیزی علاقمند شده‌اید که تمام دقت و حواس شما را به خود جلب کرده و ذهنتان را به خود مشغول کرده است، به طوری که نمی‌توانید به راحتی روی دیگر کارها و مسئولیت‌هایتان تمرکز کنید.

آبان
امروز شما به فکر پیدا کردن راه‌هایی برای پیشرفت اقتصادی و مالی خود هستید. شما نسبت به همیشه از قدرت درونی خود آگاهی بیشتری دارید و بیشتر به آن اعتماد می‌کنید.

آذر
اتفاقاتی که در زندگی شخصی و اجتماعی‌تان افتاده‌اند باعث شده‌اند که احساس قدرت و توانمندی وجودتان را در بر بگیرد و حس کنید که آینده‌تان در دستان خودتان قرار دارد و این شما هستید که برای زندگی و آینده‌ی خود برنامه‌ریزی می‌کنید.

دی
امروز مهمان‌هایی به دیدن شما خواهند آمد که داستان‌های جالبی برای گفتن دارند. این شنیده‌هایتان ذهن شما را به خود مشغول خواهند کرد و شاید شما را به فکر تحقیق و مطالعه در مورد موضوع مورد بحث بیندازند.

بهمن
امروز شما برای آن‌هایی که هنوز مجرد هستند این احتمال وجود دارد که به طوری کاملاً غیر منتظره یک رابطه‌ی عاطفی جدید را شروع کنند. آن‌هایی که پیش از این نیمه‌ی دیگر خود را یافته‌اند هم امروز موج جدیدی از عشق و احساس نسبت به طرف مقابل‌شان را تجربه خواهند کرد.

اسفند
امروز شما احساس می‌کنید بسیار قوی و از لحاظ جسمانی کاملاً سالم و سرحال هستید و می‌توانید هر کار فیزیکی که به عهده‌تان گذاشته شود را به راحتی به انجام برسانید. در نتیجه‌ی این احساس قدرت و انرژی ممکن است تصمیم‌گیری‌های مهم‌تان، خانه، از انباری گرفته تا پرت‌ترین گوشه و کنارها را هم نظافت کنید.

ماجرای ۲ پسر خاله‌ای که در «سانچی» بودند



سپری کرد، دوره پیش بیمارستانی بود.

کی از خانه به سمت نفت کش حرکت کردند؟

سجاد و پوریا زاده روستای تل مشکی هستند. چند سال پیش بود که پوریا به همراه پدر و مادرش به شهر رفتند و آنجا زندگی کردند ولی سجاد و خانواده‌اش در همین روستا ماندند. ۱۵ آذرماه بود که از نورآباد ممسنی به سمت خارگ رفتند. سوار ماشین شدند؛ ماشین‌های بی‌راهی. از خارگ هم به سمت عسلویه رفتند.

آخرین صحبت‌هایشان پیش از سفر چه بود؟

خیلی خوشحال بودند. تا پیش از سفر آن‌ها را این قدر شاد ندیده بودم. بیشتر از هر وقت دیگری می‌خندیدند. عید، عروسی برادر سجاد بود. می‌خواست سریع‌تر این سفر را برود تا عید در خانه باشد. می‌گفت دو تا سه ماه این سفر طول می‌کشد باید زودتر برویم تا عروسی در خانه باشیم.

خانواده‌ها از سخنی کار دریاوردن خیر داشتند؟

تا حدودی اما هرگز تصور نمی‌کردیم چنین حادثه‌ای پیش بیاید. از وقتی می‌دانم، چنین اتفاقی در دریا نبوده. فقط می‌دانستیم مدت‌ها روی آب هستند و کمتر در خشکی و خانواده‌هایشان تنها می‌مانند.

پیش از حادثه تماس نگرفته بودند؟

در زمان حادثه نه اما قبل از آن با ما تماس گرفتند. عکس می‌انداختند و ارسال می‌کردند. از حال و هوای دریا می‌گفتند و اینکه چقدر این سفر برایشان خوب بوده؛ تجربه پیدا کرده بودند.

وقتی این حادثه را شنیدید چه کار کردید؟

باورمان نمی‌شد. هنوز هم نمی‌شود. چشم از تلویزیون برنمی‌داشتیم اما خبرها کوتاه بود و در حد زیرنویس. اصلاً فکر نمی‌کردیم یک فاجعه باشد. فکر می‌کردیم زنده بیرون می‌آیند. هنوز هم همین تصور را داریم، فکر می‌کنیم خدمه روزی زنده به خاک کشورمان برمی‌گردند.

حال پدر و مادرشان چطور است؟

اشکشان خشک‌شده. بغضشان تمامی ندارد؛ واقعاً باید مثل کوه باشی تا این درد اثر نگذارد. پوریا تنها یک برادر کوچک‌تر داشت که ورزشکار است؛ البته هم سجاد و هم پوریا ورزشکار بودند. رشته‌شان کونگ‌فو بود. سجاد هم دو برادر بزرگ‌تر داشت و یک خواهر کوچک‌تر که همه عزادار هستند. همه داغ‌دیده هستند.

همه برای تسلی دو خانواده به خانه‌هایشان آمده‌اند؛ اما درد کمی نیست. ای کاش اثری از این دریانوردان بود. بدون هیچ نشان و اثری سوگواری کردن سخت است. ما از مسئولان خواهیم می‌کنیم پیکر عزیزانمان را به ما برگردانند.

نخستین سفرشان بود؛ اما آخرین سفرشان شد. مقصد، کره جنوبی بود؛ مقصدی که هرگز نرسیدند و در نیمه راه بازماندند. «پوریا» و «سجاد» دو پسر خاله، دو هم‌دانشگاهی، دو رفیق و دو همکار بودند. دو پسر ۲۲ ساله‌ای که از بچگی با هم بزرگ شدند و با هم تصمیم گرفتند که با نفت کش سانچی به سفر دریایی بروند.

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از شهروند، هر دو از شهرستان نورآباد ممسنی، استان فارس بودند، از روستای «تل مشکی». ۱۰ روز از حادثه آتشین کشتی سانچی در دلتای یانگ تسه می‌گذرد، ۱۰ روزی که خانواده ۲۲ دریانورد در بیم و امید بودند؛ امید به بازگشت پسران، همسران و پدرانشان.

می‌گفتند ۳۱ خدمه کشتی در جایی داخل کشتی درحال نفس کشیدن هستند و در انتظار امدادسانی اما روز یکشنبه، ۲۴ دی‌ماه امیدشان ناامید شد. آتش نفت کش سانچی خاموش نشد و شعله‌های آن تا ارتفاع ۱۰۰ متری رسید و این نفت کش سوزان، در عمق دریا غرق شد. با پایان یافتن تراژدی سانچی، مردان دریا در عمق ۱۱۰ کیلومتری اقیانوس آرام برای همیشه آرام گرفتند و چشم‌انتظاری خانواده‌هایشان با ماتم و اندوه گره خورد. ۳ پیکر بی‌جان خدمه کشتی از غول ۲۷۴ متری بیرون عجیبی دارند. حسین دایی پوریا و همان دلتای یانگ تسه ماند. حالا خانواده‌ها مانده‌اند بدون هیچ نشانی از مرگ عزیزانشان. حتی نمی‌دانند دریانوردانشان چگونه جان باختند و راز آلود غروب کردند.

«پوریا عیدی» و «سجاد عبداللهی» دو پسر خاله‌ای بودند که در لیست ۲۲ خدمه‌ای کشتی سانچی حضور داشتند؛ دو پسر خاله‌ای که در شهرستان نورآباد ممسنی زندگی می‌کردند و اصالتاً اهل روستای «تل مشکی» بودند.

خانواده‌های پوریا عیدی و سجاد عبداللهی در شهرستان ممسنی برای دو پسر خاله مراسم گرفتند. مراسم یادبود بدون خاک‌سپاری. محل دفن دو پسر خاله فرسنگ‌ها دورتر از زادگاهشان است؛ جایی در اعماق آب بین ژاپن و چین. این دو پسر خاله که از کودکی با یکدیگر بزرگ‌شده‌اند، داستان عجیبی دارند. حسینی دایی پوریا و سجاد ۲ دانشجوی عرشه از دانشگاه خارک که کارآموز بودند با ما گفت‌وگو کرد. او از خوشحالی دو خواهرزاده‌اش گفت که نخستین سفر خود را تجربه می‌کردند.

چرا دو پسر خاله هر دو با هم عازم این سفر شدند؟
پوریا و سجاد از بچگی با هم بزرگ شدند. هر کاری می‌کردند با هم بود. با هم مدرسه رفتند، دانشگاه رفتند، امتحان دادند و در شرکت ملی نفت کش قبول شدند. این نخستین سفرشان بود. هم نخستین سفر دریایی و هم نخستین سفر خارجی‌شان. از آنجا که آخرین سال دانشگاهشان بود دوره کارآموزی را باید می‌گذراندند. به همین خاطر با هم تصمیم گرفتند تا به این سفر بروند.

چه رشته‌ای درس می‌خواندند؟
سجاد و پوریا دانشجویی سال آخر رشته مهندسی دریانوردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم دریایی خارگ بودند که به‌عنوان بورسیه در شرکت ملی نفت کش ایران فعالیت می‌کردند.

سجاد و پوریا امدادگر هلال‌احمر هم بودند؟
سجاد از سال ۹۳-۹۲ بود که وارد هلال‌احمر شد. من خودم هم جزو نیروهای هلال‌احمر هستم. من خواهرزاده‌هایم را تشویق کردم تا وارد هلال‌احمر شوند. پوریا هم علاقه داشت و تصمیم داشت وارد هلال‌احمر شود. در مأموریت‌هایی که ما می‌رفتیم معمولاً همراهان بود. سجاد دوره‌های مختلف امدادی را گذرانده بود و خودم بارها با او به مأموریت‌های مختلف رفتم.

کوهستان و دره و تپه و کوه همه‌جا می‌رفتیم. سجاد در اکثر برنامه‌های واحد جوانان و امداد فعالیت می‌کرد و دوره‌های کمک‌های اولیه عمومی امدادونجات را گذراند و آخرین دوره‌ای که به‌طور کامل

خواندنی

واکنش احسان علیخانی به شوخی سریال لیسانه‌ها با او



احسان علیخانی، مجری و تهیه‌کننده برنامه «ماه‌عسل» در اینستاگرامش با انتشار قسمت‌هایی از سریال «لیسانسه‌ها» به شوخی‌هایی که در این سریال با او شده بود، واکنش نشان داد.

به گزارش جام جم آنلاین، علیخانی در واکنش به این شوخی‌ها نوشت: سلام رفقا

تو روزهایی که بازار خیر ناخوش و تلخ داغ‌تر شده، دم بچه‌های لیسانس‌ها گرم که در این بازار کساد، طنز و کمدی در تلویزیون، مخاطب جدی و پیگیر داره، بعضی از دوستان کامنت گذاشتن که چرا با من شوخی کردن در لیسانس‌ها، به این دوستان باید بگم که ۱. وقتی خودم دیدم خیلی خندیدم و حال کردم ۲. سروش صحت رو یکی از چهره‌های مهم و دوست داشتنی در تلویزیون می‌دونم، چه به‌عنوان نویسنده، چه به‌عنوان کارگردان، حتی از سال‌ها پیش خواننده یادداشت‌های سروش بودم در مطبوعات ۳. شوخی کردن لیسانس‌ها با خودم رو لطف و محبت این گروه می‌دونم نه مسخره کردن ۴. صمیمیت دوستان سریال ساز خوب می‌فهمم، وقتی کسی حق نداره با هیچ صنف و شخصیتی حتی شوخی کنه چه برسه به نقد، رفقا تو رو خدا شما دیگه شوخی کردن لیسانس‌ها با یکی مثل من، توهین برداشت نکنید ۵. سروش صحت، بیژن بفتشه‌خواه، امیرحسین رستمی، هوتن شکیبا و همه گروه لیسانس‌ها، خسته نباشید و دمتون گرم.

کم‌وزن‌ترین نوزاد جهان

زنی ۴۸ ساله به نام «Sectá» اهل هند، ۱۲ هفته پیش از موعد مقرر زایمان کرد و نوزادش در حالی به دنیا آمد که شرایط لازم را برای ادامه حیات نداشت.

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از تابناک، پزشکان با نگره‌داشتن این نوزاد به مدت شش‌ماه در بیمارستان آن هم تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی توانستند این نوزاد دختر را که حتی روز اول به‌درستی قادر به تنفس درست نبود از مرگ نجات داده و به‌سلامت تحویل خانواده‌اش دهند.

اکنون این دختر در وضعیتی کاملاً استاندارد و بدون مشکل به سر می‌برد و پزشکان سلامت‌ش را تأیید کرده‌اند. آن‌ها همچنین با بررسی وضعیت مغز و چشم‌های او به نتایج رضایت‌بخشی دست یافتند که نگرانی‌هایشان را برطرف کرد.

این نوزاد هندی هنگام تولد فقط ۴۰۰ گرم وزن داشت و اکنون به وزن ۲/۵ کیلوگرم رسیده است.

از نگاه دوربین



عکس از: جعفری



گریم سنگین مهدی پاک‌دل در فیلم محمد رسول‌الله (ص)

مهدی پاک‌دل بازیگر نقش «ابوطالب» در فیلم سینمایی حضرت محمد رسول‌الله (ص) اینستاگرامش را با عکسی از گریم سنگین ده‌ساعته‌اش در این پروژه سینمایی به‌روز کرد که چهره‌اش را «جانو دروسی» گرم‌رنگ ایتالیایی درست کرده است.

به گزارش جام جم آنلاین، مهدی پاک‌دل با انتشار این عکس نوشت: پشت‌صحنه فیلم سینمایی حضرت محمد رسول‌الله به کارگردانی مجید مجیدی، پاییز ۱۳۹۱.

روزهای سخت، اما دل‌چسپی بود. روزهای همراه با افتخار، همکاری با بهترین‌های سینمای دنیا.

حدود ده ساعت زمان برای تبدیل شدن به ابوطالب هفتادوپنج‌ساله، ریاضتی شیرین را برایم به همراه داشت.

خاطرات هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند. رنگ‌های گرم‌تر و صداهایش بیشتر در گوش می‌پیچند.

